خاطره

دل‌نوشته‌ای در رسای معلم شهید علی علوی
با نگاهی به کتاب «گل‌های باغ مصطفی»

نگران کودکانش بود اما دل کند و رفت

■ علیرضا سجادی‌فر

متن زیر دل‌نوشته‌ای در خصوص معلم شهید علی علوی یکی از شهدای بخش کومله لنگرود است که خاطرات جمعی از این شهدا در کتاب گل‌های باغ مصطفی منتشر شده است. بخش کومله لنگرود به رغم کوچکی و جمعیت کم رزمندگان بسیاری را روانه جبهه‌های جنگ کرده بود.

در روزهای عید امسال (۱۴۰۴) سعادت مطالعه کتاب گل‌های باغ مصطفی نصیبم شد. این کتاب مجموعه خاطرات شهدای دلاور بخش کومله لنگرود است. در این کتاب با معلم شهید علی علوی آشنا شدم. او متأهل و پدر دو فرزند به نام‌های رضا و جواد بود و ۱۰ شهریور ۶۶ در عملیات کربلای ۲ به شهادت رسید.

یکی از همرزمانش که در مناطق عملیاتی با شهید بود، می‌گفت یک روز غروب دیدم علی علوی یک گوشه‌ای نشسته و به دور دست نگاه می‌کند و چیزی را زمزمه می‌کند. خوب که گوش کردم متوجه شدم می‌خواند رضا، جواد کجایین، کجایین؟ آوایی که می‌خواند شبیه تیتراژ برنامه کارتونی «هادی و هدی» بود که آن سال‌ها از تلویزیون پخش می‌شد؛ بعد بی‌صدا گریه می‌کرد.

شهید علی علوی به همرزمش گفته بود: خیلی دلم برای بچه‌ها تنگ شده است... این معلم شهید با پا گذاشتن آگاهانه روی احساسات خود برای رسیدن به هدفی بالاتر به الگویی از فداکاری و ایثار تبدیل شد. همسرش نقل می‌کرد: فرزندمان جواد تازه می‌توانست چند قدمی راه برود؛ به قول معروف تاتی تاتی می‌کرد. به محض اینکه علی بلند می‌شد که بیرون برود، آن بچه پای بابا را می‌گرفت و نمی‌گذاشت. علی می‌گفت فکر کنم این بچه فهمیده که این دفعه بروم دیگر برنمی‌گردم... علی رفت و در کربلای ۲ آسمانی و مفقودالاثر شد.

سال‌ها از دفاع‌مقدس می‌گذرد، جواد و رضاهای این مملکت تبدیل به فرزندان رشید پدران بامرام‌شان شده‌اند، اما اکنون شاید از آن دوران همان آهنگ برنامه «هادی هدی» به دلیل فراگیر بودنش در ذهن ما جوانان دهه ۶۰ باقیمانده است، در حالی که جوادها و رضاهای بی‌شماری در فراق پدران‌شان نشستند و شاید هیچ وقت به این نیندیشیده‌ایم که شهدای متاهل واقعاً الگوهای فداکاری و عشق در راه وطن بوده‌اند، به واقع که آنها الگوهایی از فداکاری، عشق و مسئولیت‌پذیری بودند.

برخی از شهدای متأهل با داستان‌های الهام‌بخش خود به جامعه نشان داده‌اند که عشق به وطن و خانواده می‌تواند هم‌زیستی داشته باشد. مثلاً برخی از آنها در وصیتنامه‌های خود به اهمیت خانواده و فرزندان اشاره و ابراز امیدواری کرده‌اند که همسران و فرزندان‌شان مسیر الهی و فداکاری برای وطن را ادامه دهند. این یعنی اینکه آنها الگوهایی پایدار هستند برای اینکه به ما بفهمانند در مواجهه با چالش‌ها عزم راسخ و اراده‌ای قوی داشته باشیم.

معلم شهید علی علوی

شهید علی علوی و علوی‌های دیگر با وجود مسئولیت‌هایی که به عنوان پدر در خانواده داشتند، با عزم راسخ خود به میدان نبرد رفتند و برای دفاع از هویت، وطن و ارزش‌ها و فرهنگ خود جانفشانی کردند، چراکه بیشتر از هر کسی درک درستی از حفظ نوامیس این ملت کهن داشتند. لذا پیشرو شدند تا دست پلید و شوم زمانه در لباس حزب بعث به ناموس این سرزمین آلوده نگردد. البته فراموش نکنیم که نیمی از حماسه‌آفرینی ملت ایران در دفاع‌مقدس ناشی از حمایت همسران، خانواده‌ها و فرزندان‌شان بود که واقعاً آنها هم در دفاع از وطن در همه جهاتش سهم به‌سزایی داشتند.

حال وظیفه ماهاست که با برگزاری یادواره‌های شهدای متأهل و مراسم‌های گوناگون و تدارک برنامه‌های منظم و معظم در صداوسیما، شهدای متأهل و خانواده‌های‌شان را بیشتر از قبل در مرکز توجه قرار دهیم؛ چون این خاطرات و یادها به نسل‌های آینده الهام می‌بخشد تا ارزش‌های انسانی، اسلامی و حس میهن پرستی به فراموشی سپرده نشود.

همسر شهید علوی نقل می‌کرد: فرزندمان جواد تازه می‌توانست چند قدمی راه برود. به قول معروف تاتی تاتی می‌کرد. به محض اینکه علی بلند می‌شد که بیرون برود، آن بچه پای بابا را می‌گرفت و نمی‌گذاشت. علی می‌گفت فکر کنم این بچه فهمیده که این دفعه بروم دیگر برنمی‌گردم. واقعاً هم وقتی که رفت دیگر برنگشت...

نقش و تأثیر روحیه رزمندگان در فتوحات سال دوم جنگ در گفت‌وگوی «جوان» با یک رزمنده و راوی دفاع‌مقدس

مردمی‌شدن جنگ راه فتح خرمشهر را هموار کرد

پیر و جوان دوشادوش هم در جبهه های دفاع‌مقدس حضور داشتند

■ علیرضا محمدی

۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۱ رزمندگان کشورمان تک بزرگ خود را به جهت بازپس‌گیری خرمشهر آغاز کردند. بخش بزرگی از وطن در دست دشمن باقی مانده بود و ایران یک ماه پس از عملیات فتح‌المبین عزم خود را جزم کرده بود تا خرمشهر را آزاد سازد. عملیات الی‌بیت‌المقدس یک نقطه عطف در جنگ تحمیلی بود. آن همه شور و شوق برای آزادی خاک میهن اسلامی از رموز اصلی فتحی بود که در خرمشهر به دست آمد و پیش از آن نیز ایران هشت ماه طوفانی را رقم زده بود و فتوحات یکی پس از دیگری به دست می‌آمدند. در گفت‌وگو با مهدی محمودی از راویان دفاع‌مقدس، نگاهی به وقایع آن روزهای جبهه‌های جنگ تحمیلی انداختیم که به روایت وی می‌خوانیم.

■ **۸ ماه شگفت انگیز**

هشت سال دفاع‌مقدس قاعدتاً مراحل و مقاطع مختلفی در خود داشت، اما یک بخش بسیار زرین در این برهه وجود دارد که تقریباً هشت ماه ادامه داشته است. این هشت ماه از زمان شکست حصر آبادان شروع شد و تا فتح خرمشهر ادامه یافت. آن روزها یک شوری در بین مردم و رزمندگان موج می‌زد که از مردمی شدن جنگ نشئت می‌گرفت. وقتی که جنگ شروع شد، گروه‌های مردمی داوطلب رفتن به مناطق جنگی بودند، اما هنوز فرماندهی جنگ برعهده بنی‌صدر و تیم او قرار داشت. اینجا قصد نداریم روی شخص بنی‌صدر تمرکز کنیم. منتها نکته‌ای که وجود دارد، این است که او نماینده یک جریان بود؛ جریانی که نگاه کلاسیک به جنگ داشت و از مردمی‌شدن آن جلوگیری می‌کرد.

■ **عبرت‌های تاریخ**

در نوع طرز فکر بنی‌صدر و تیمی که او را همراهی می‌کردند، نیروهای مردمی نه تنها کمک کننده نبودند که به جهت نداشتن آشنایی با امور نظامی وبال گردن ارتش محسوب می‌شدند، اما این طرز فکر یک مشکل اساسی داشت. در طول تاریخ ایران هر وقت مردم مقابل متجاوز ایستادند، او را شکست دادند، ولی وقتی مردم خودشان را کنار کشیدند، کاری از دست حکومت وقت برنمی‌آمد. یک نمونه واضح آن شکست ایران از متفقین بود. آن هم فقط طی یکی، دو روز ارتش ایران از هم پاشید و تهران فتح شد. ادعا نمی‌کنیم که ایران با امکانات و تسلیحات آن زمان می‌توانست مقابل ابرقدرت‌های وقت یعنی شوروی، انگلیس و امریکا بایستد، ولی اینکه ظرف دو روز ارتش ایران از هم بپاشد و ارتش سرخ و ارتش انگلیس چند روزه کل ایران را بگیرند و حوالی قزوین به یک دیگر برسند، خب این نشان می‌دهد که مردم پشت رژیم رضاخان نبودند.

■ **حمایت مردم از دفاع‌مقدس**

همین مردم بعد از پیروزی انقلاب سعی کردند در جبهه‌ها حضور پیدا کنند، اما از سال ۵۹ تا آخر خرداد سال ۶۰ که بنی‌صدر روی کار بود، بهایی به حضور مردمی نمی‌داد. خود سپاه هم یک نهاد انقلابی بود که افرادش را همین مردم از دانشجو گرفته تا کارگر و کارمند و... تشکیل می‌دادند. سپاه هنوز ردیف بودجه مشخصی نداشت. حتی گاهی خود پاسدارها مایحتاج پایگاه‌های شان را تأمین می‌کردند. به نوعی از کمک‌های مردمی بهره می‌گرفتند. بنابراین از سپاه گرفته تا نیروهای مردمی یا همان بسیج، اینها نیاز به حمایت‌های رسمی داشتند که تا زمان وجود بنی‌صدر از آنها دریغ می‌شد.

بعد از عزل بنی‌صدر، اوضاع تا حد بسیار زیادی تغییر کرد. اتحادی بین ارتش و سپاه شکل گرفت و بهای بیشتری به نیروهای مردمی و پاسدارها داده شد. انگار که شکوفا شده باشند، تحولی از طریق حضور بسیج در یگان‌های سپاه شکل گرفت. حالا دیگر پاسدارها و بسیجی‌ها قرار نبود به خاطر تأمین اندکی مهمات دنبال امریه از سوی افرادی مثل بنی‌صدر باشند. همین موضوع باعث یک تحول در جبهه‌ها شد. اولین اثراتش هم فقط سه ماه بعد از رفتن بنی صدر نمودار شد و حصر آبادان پس از یک‌سال شکست. در زمان شکستن محاصره آبادان همچنان ارتش فرماندهی جنگ را برعهده داشت. منتها دیگر آن نگاه تحقیرآمیز زمان بنی صدر به نیروهای مردمی وجود نداشت.

■ **تزریق روحیه به جبهه‌ها**

در واقع مردم و پاسدارها روحیه بیشتری گرفته بودند. این انرژی آزاد شده باعث شد تا طی هشت ماه، یک سلسله پیروزی‌های شگفت‌انگیزی رخ بدهد. البته ما با نگاه تاریخی فقط به نتیجه کارها نگاه می‌کنیم، از فرایند و روند طی شده غافل می‌شویم. اگه با دقت بیشتری نگاه کنیم، می‌بینیم که از مهر سال ۶۰ که عملیات ثامن‌الائمه(ع) یا همان شکست حصر آبادان انجام شد تا عملیات الی‌بیت‌المقدس و فتح خرمشهر در این هشت‌ماه، چهار عملیات بزرگ انجام دادیم؛ یعنی هر دو ماه یک عملیات. بعدها در تاریخ جنگ بین عملیات بزرگ‌مان حداقل شش ماه تا یک‌سال فاصله بود، اما چطور می‌شد که در هشت ماه چهار عملیات انجام دادیم که همگی هم موفق بودند؟ خصوصاً بعد از فتح‌المبین که ۱۰ فروردین تمام شد، یک ماه بعد ایران الی‌بیت‌المقدس را انجام داد. خب این همه انرژی از کجا می‌آید؟ مگر در فتح‌المبین شهید و مجروح کمی دادیم؟

ما در عملیات فتح‌المبین ۶ هزار و ۲۰۰ شهید دادیم. ۱۲ هزار نفر هم مجروح. این آمار کمی نیست. ضمناً خستگی یگان‌ها و بازسازی آنها و مسائلی از این دست را که در نظر بگیریم، یک ماه بعد انجام یک عملیات بزرگ دیگر، مسئله‌ای است که با حساب و کتاب مادی جور درنمی‌آید. قاعدتاً روحیه نقش اساسی در این بین داشت. یک نیروی الهی که برگرفته از همان شور و شعور انقلابی مردم ایران بود.

طرز فکر جنگ کلاسیک که از سوی بنی‌صدر و تیم او دنبال می‌شد، از مردمی‌شدن جنگ جلوگیری می‌کرد. بعد از کنار رفتن بنی‌صدر، توجه بیشتری به نیروهای بسیج و سپاه شد. جنگ مردمی‌تر شد و شور و شوقی که به دنبال این اتفاق رقم خورد، باعث شد تا یک ماه پس از عملیات فتح‌المبین، عملیات فتح خرمشهر در ۱۰ اردیبهشت ۶۱ آغاز شود

■ **مردمی‌شدن جنگ**

وقتی که مردم خودشان امور جنگ را برعهده گرفتند، وقتی بیش از گذشته احساس مسئولیت کردند، وقتی دیگر آن نگاه تبعیض‌آمیز و حتی تحقیرآمیز بنی‌صدر و تیمش را احساس نکردند، ناگهان شکفتند و حماسه‌ها خلق کردند. در عملیات فتح‌المبین تقریباً سپاه و ارتش عمده توان‌شان را به کار بستند. یک عملیات سنگین در یک منطقه بزرگ که آزادسازی ۲ هزار و ۴۰۰ کیلومتر مربع از خاک کشورمان به خودی خود نشان می‌دهد که فتح‌المبین چه وسعت و ابعادی داشت. حالا بعد از یک عملیات سنگین قرار بود رزمنده‌ها فقط یک ماه بعد به عملیات سنگین دیگری ورود کنند. حساب کنید مقدماتی مثل شناسایی منطقه، تدارکات و آماده‌سازی منطقه، آشنایی فرماندهان گردان‌ها به اهداف مورد نظر و مسائلی از این دست باید خیلی زودتر آغاز می‌شد تا نهایتاً به دهم اردیبهشت و شروع رسمی عملیات فتح خرمشهر می‌رسیدیم.

■ **روزهای الهی جبهه‌ها**

در آن ماه‌های درخشان تاریخ جنگ، جبهه‌ها روزهای خدایی را تجربه می‌کردند. جوانانی قدم در میدان مبارزه گذاشته بودند که تجربیات زیادی نداشتند، همانطور که تسلیحات زیادی هم نداشتند، اما ایمان‌شان برای رفع این کمبودها کافی بود و البته ابتکاراتی به خرج می‌دادند که دشمن را در برابر آن همه شور و استعداد مبهوت می‌کرد. شهید حسن باقری و طرح‌هایی که می‌داد یک نمونه این جوانان مبتکر است.

عراق همیشه فکر می‌کرد اگر ایران بخواهد خرمشهر را آزاد کند، ناچار است از روی جاده اهواز - خرمشهر بیاید. چون راه دیگری برای عبور ادوات سنگین ایران وجود نداشت، اما طرح ابتکاری شهید باقری و دیگر فرماندهان اینطور شروع عملیات را رقم زد که ما آمدیم از رودخانه کارون پل‌های شناوری زدیم و از میانه راه، نیروها خودمان را به جاده خرمشهر رساندیم و دو لشکر عراق را که در ۱۵ کیلومتری اهواز قرار داشتند دور زدیم. بعد هم که وقتی با جانفشانی نیروها، مواضع فتح شده روی جاده آسفالته خرمشهر حفظ شد، در تداوم عملیات رزمنده‌ها مستقیم به سمت خرمشهر نرفتند، بلکه آن را دور زدند و به شلمچه رفتند. به این ترتیب عراق بار دیگر در طی این عملیات فریب خورد و وقتی به خودش آمد، دید تعدادی از تیپ‌های ما به پشت خرمشهر رفته‌اند و مرز شلمچه را بسته‌اند. هرچه نیروهای داخل خرمشهر و دیگر یگان‌های ارتش عراق از خاک خودشان فشار آوردند، نتوانستند این محاصره را بشکنند و نهایتاً در سوم خرداد سال ۶۱ بعثی‌های داخل شهر خود را تسلیم کردند و خرمشهر آزاد شد.

عراق همیشه فکر می‌کرد اگر ایران بخواهد خرمشهر را آزاد کند، ناچار است از روی جاده اهواز - خرمشهر بیاید. چون راه دیگری برای عبور ادوات سنگین ایران وجود نداشت، اما طرح ابتکاری شهید باقری و دیگر فرماندهان اینطور شروع عملیات را رقم زد که ما آمدیم از رودخانه کارون پل‌های شناوری زدیم و از میانه راه، نیروها خودمان را به جاده خرمشهر رساندیم

■ **آفت غرور در رمضان**

این ماه‌ها (از مهر ۶۰ تا خرداد ۶۱) ماه‌های خدایی بود. ایمان حرف اول و آخر را می‌زد، اما بعد از فتح خرمشهر و زمانی که یک ماه و ۲۰ روز بعد ایران عملیات رمضان را آغاز کرد، اینجا یک چیزهایی تغییر کرده بود. خدا بیامرزد شهید صیاد شیرازی را که به تازگی سالگرد ایشان را پشت‌سر گذاشتیم. ایشان یک تعریفی دارد از عوامل عدم‌الفتح رمضان که می‌گوید یکی از عوامل این شکست، غروری است که دچارش شده بودیم.

صیاد شیرازی می‌گوید: «ما همه چیزمان برای پیروزی آماده بود، ولی توجه به خدا کمتر و توجه در جهت خود بیشتر شد. یادمان رفت که نصرت‌دهنده کیست و باید همان روحیه و توکلی را که در عملیات‌های طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس داشتیم در این عملیات هم داشته باشیم. حالت غرور به وجود آمده بود و البته یک مقدار هم ارتش و سپاه به طرف خود محوری رفتند، یعنی ارتش برای خودش می‌گفت من هستم و سپاه برای خودش می‌گفت من هستم؛ این دو تا «من» نمی‌جنگید.»

به تعبیر صیاد شیرازی ما از همان روحیه‌ای که باعث خلق فتوحاتی چون فتح‌المبین و الی‌بیت‌المقدس شد فاصله گرفته بودیم و همین یکی از عوامل عدم‌الفتح در رمضان شد. همه اینها عبرت‌هایی است برای ما. برای اینکه تاریخ را با نگاه دیگری ببینیم و آن وقت است که رموز خیلی از وقایع برای‌مان کشف می‌شود. نهایتاً باید گفت که در هشت ماه شگفت‌انگیز جنگ، دست یاری خدا باعث شد رزمندگانی با امکانات کم در برابر دشمنی مهجز شده به پیروزی برسند. این ایمان و توکل همیشه باید سرلوحه ما قرار بگیرد.

صیادشیرازی، نفر دوم از چپ، اشارات زیبایی از تاثیر غرور در عدم الفتح رمضان داشت

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۷۲۹۴

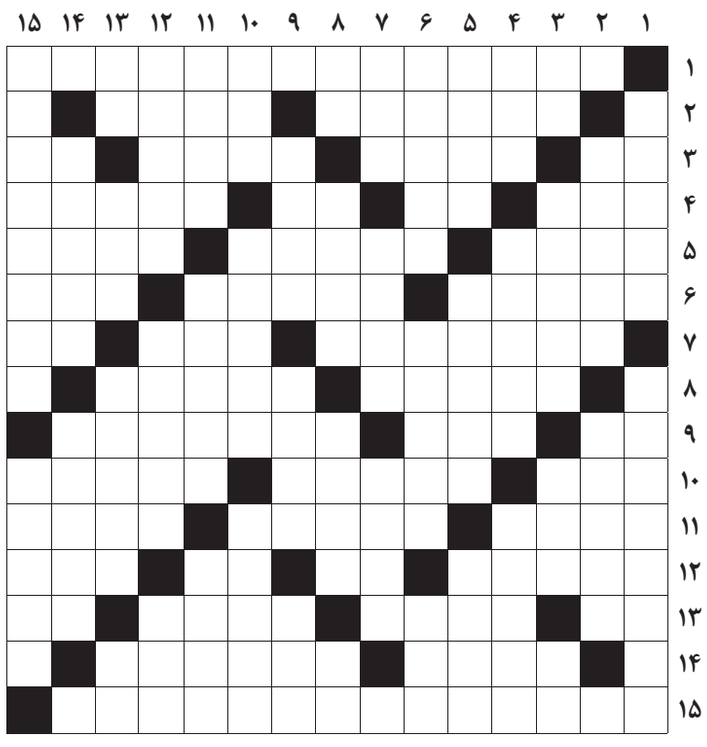

از راست به چپ

■ ۱- فقیه، متفکر، فیلسوف، اسلام‌شناس شیعه و از رهبران فکری انقلاب اسلامی ایران ■ ۲- هنر رزمی ژاپنی- همسایه مصر و سودان ■ ۳- یازده- پایتخت توگو- گوارا- سفید آذری ■ ۴- نویسنده فرانسوی دور دنیا در هشتاد روز- برکت و فزونی نعمت- کتف- شهری در استان یزد ■ ۵- ترکش حرام است- نوعی معافیت سربازی- توبه پذیرنده؛ از صفات خداوند ■ ۶- پرده‌داری خانه کعبه- از احزاب رژیم صهیونیستی- پایتخت علویان ■ ۷- یک هزارم میلیارد- مادر وطن- کلمه نهیب ■ ۸- یاکند- از هر طرف بخوانی جاهل است ■ ۹- افزودن انگلیسی- مذهب- سازنده قطعه موسیقی ■ ۱۰- وسیله صید ماهی- معروف- کاپیتان اسبق تیم ملی اسپانیا ■ ۱۱- درخت مسواک- زخم آب کشیده- رود بزرگ فرانسه ■ ۱۲- نوعی سیم‌کشی ساختمان- ناشنوا- منقار کوتاه- رنگ خون ■ ۱۳- اسم آذری- نوعی شیرینی- کینه‌اش معروف است- راست ایستاده ■ ۱۴- پوست پیرا- شهر معبد آناهیتا ■ ۱۵- چهارده حرف از این شعر سعدی «تا رنج تحمل نکنی گنج نبینی/ تا شب نرود صبح پدیدار نباشد» را در این ستون بگنجانید

از بالا به پایین

■ ۱- پرنده‌ای با پرهای رنگارنگ- آب مروارید ■ ۲- دوستی خالصانه- از شهرهای استان لرستان ■ ۳- بخار دهان- درودگری- گوسفند جنگی- مروارید ■ ۴- سال آذری- شالوده، اساس- کاغذ کپی ■ ۵- صحنه‌آرایی- باوراندن اندیشه- رونق بازار ■ ۶- حرکات صورت- کشور فلاسفه- واژه ■ ۷- صف، قطار- نی لبک- نمونک فرهنگستان ■ ۸- ضمیر مخاطب- خیانتکار- تیمی در فوتبال فرانسه- اندک ■ ۹- یار امام علی(ع)- از نخست وزیران هند- داستانی نوشته گوگول ■ ۱۰- رها- ده ریال- کاشف اشعه ایکس ■ ۱۱- پرنده سخنگو- عادل- از مواد افیونی ■ ۱۲- مداوا- شهری در گیلان- ذره باردار ■ ۱۳- خطاب بی‌ادبانه- جایز- عفت و آبرو- همسایه تهران ■ ۱۴- برپاداشتن- برادر رستم ■ ۱۵- مؤسس سلسله صفاریه- نوعی بیماری ویروسی

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

۱		۲				۶		
						۴	۵	۳
۴			۶		۳			
						۱	۷	
			۴	۷	۶			
۳	۹					۲		
	۶		۳					
			۵		۹			۷
	۱						۹	۲

۸	۱	۵	۷	۶	۴	۲	۳	۹
۲	۹	۳	۸	۱	۶	۷	۴	۵
۶	۷	۴	۱	۵	۲	۸	۹	۳
۳	۸	۲	۶	۹	۷	۴	۱	۲
۹	۴	۷	۲	۳	۸	۱	۶	۵
۵	۶	۱	۴	۲	۹	۳	۷	۸
۷	۲	۸	۳	۴	۱	۹	۵	۶
۱	۳	۹	۵	۷	۶	۸	۲	۴
۴	۵	۶	۹	۸	۲	۱	۳	۷

جدول کلمات متقاطع

■ پاسخ جدول شماره ۷۲۹۳

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ب	ا	م	د	ا	د	ع	■	ا	ب	د	ز	ا	د	ه
۲	ا	س	ی	ه	■	م	ا	ل	ه	■	ت	م	ا	ش	ا
۳	ر	و	ب	ن	ا	■	خ	ا	م	ه	■	ر	و	ن	ی
۴	س	ا	د	■	پ	ل	■	م	ر	ا	ت	■	پ	ه	ن
۵	ل	ن	■	ظ	ر	ا	ف	ت	■	ر	ک	ی	ک	■	ا
۶	و	■	ک	ن	ت	و	ر	■	ه	و	ا	ر	■	ت	ن
۷	ن	و	ر	ی	■	ی	ا	ک	ر	ی	م	■	م	ر	■
۸	ا	و	ا	ن	س	■	م	ل	ک	■	ل	ت	و	ن	ی
۹	■	ش	ر	■	پ	ا	و	ی	و	ن	■	ر	ا	م	ا
۱۰	ا	و	■	ا	ر	ی	ش	■	ل	ی	ا	ق	ت	■	ف
۱۱	ه	■	ف	ن	د	ک	■	پ	س	ر	و	ی	■	ن	ت
۱۲	ی	ا	ر	■	ه	ی	د	ر	■	و	ر	■	ا	و	ا
۱۳	ا	ب	ی	ک	■	و	ر	و	د	■	د	و	ل	ا	ب
۱۴	ن	د	ا	م	ت	■	ز	ا	ه	ر	■	ن	ا	ز	ا
۱۵	ه	ی	د	ر	و	ل	ی	ز	■	ا	م	د	و	ش	د